



بهترین قصه‌های تاریخی تهران جایزه می‌گیرد

صفحه «روایت تهران» که پیش روی شماست، از این پس به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرها، واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق خواهد داشت. با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران دیروز و قصه‌ها و ماجراهای پس پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهاری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همشهاریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند. نشانی و شماره تماس ما: mahaleh@hamsahari.org و ۴۶۴-۲۳۴۵۵-۲۳۰۲۳۴۵۵

۹۰ سال قبل حاج محمد علی‌کنی پلی را برای رفاه اهالی کن ساخت

قدیمی‌ترین پل آجری پایتخت

سمیرا باباجانپور
روزنامه‌نگار

پل آجری حاج محمد علی کنی جزء قدیمی‌ترین پل‌های آجری تهران است که سال ۱۳۱۲ توسط «حاج محمد علی» بنا شد تا روستایانی که برای فروش محصولاتشان به شهر می‌رفتند مسیر رودخانه را به راحتی پشت سر بگذارند. تصور که قدیمی‌های محله تعریف می‌کنند اهالی روستاهای سولقان، کشاور، زندان، سنگان، امامزاده داوود (ع) و کیگا با عبور از مسیر کوهستانی و دشوار خودشان را به این پل می‌رساندند و بعد از عبور از باغ‌ها در بافت مسکونی روستای کن استراحت می‌کردند و روز بعد مسیر خود را به سمت شهر ادامه می‌دادند. این پل یکی از بناهای باقی‌مانده از بافت تاریخی روستای کن است که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. اما نوروز پرباران سال



این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.



این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.

حکایت رستم گیو و مستأجرانش

دست و بالشان تنگ بود، از همه‌جای تهران به این باغ آمدند. آنها سال‌ها اینجا زندگی می‌کردند و وقتی پولی برای خرید خانه در کیسه‌شان جمع می‌شد، باغ را ترک می‌کردند و جایشان را به مستأجران جدید می‌دادند. البته مستأجران رستم بول کمی بابت اجاره پرداخت می‌کردند که خرج تعمیر خانه‌ها و رسیدگی به امور باغ می‌شد. به گفته ساکنان قدیمی باغ، سکونت در این باغ مقررات خاصی داشت. «فلاطون عدالتی»، باغبان پیری که جزو نخستین ساکنان باغ است، می‌گوید: «بابای رستم می‌گفت کسی که ماشین دارد، وضعیت خوب است پس نباید اینجا زندگی کند. او همیشه دلش می‌خواست نیازمندان واقعی در این خانه‌ها زندگی کنند.» با گذشت ۶۵ سال، باغ رستم هنوز هم پابرجاست و محل زندگی و مامن زرتشتیانی است که خانه ندارند.

در ضلع جنوب شرقی فلکه دوم تهرانپارس و وسط هیاوو و شلوغی این محله، باغ سرسبز و بزرگی قرار دارد که از پشت دیوارهای آجری آن قامت بلند درختان سرو و کاجش به چشم می‌خورد. این باغ که بین اهالی به رستم‌باغ معروف است، قصه شیرینی دارد. مالک و سازنده این باغ سرسبز «رستم گیو»، یکی از نیکوکاران زرتشتی، است. رستم خان ۶۵ سال پیش این باغ را به نیت کمک به زرتشتیانی که بضاعت مالی نداشتند، ساخت و ۱۰۰ خانه یک‌شکل در آن بنا کرد. رستم گیو که بین اهالی به بابای رستم معروف بود، پس از ساخت باغ و خانه‌ها، اعلام کرد خانواده‌های زرتشتی که مستأجران نامی برای ایجاد امکانات شهری می‌توانند در این خانه‌ها زندگی کنند، پس از این فراخوان، زرتشتیانی که مستأجر بودند

پریسا نوری
روزنامه‌نگار



این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.

برویبای همسایگان به خانه علامه

رضا نیکنام
روزنامه‌نگار

خانه علامه جعفری در محله حسن آباد در بلوار آیت‌الله کاشانی منطقه ۳، ۵ سال پیش به کتابخانه عمومی تبدیل شده است. خانه‌ای با خاطرات شیرین که هم محفل اندیشمندان ایرانی و خارجی بود و هم خانه امید و مهربانی برای همسایگان محله‌ای خانه به آیش تقسیم شده است. بخشی که خانواده علامه در آن زندگی می‌کردند و بخشی دیگری که کتابخانه شخصی استاد محسوب می‌شد و محفل باز دیدها و جلسات استاد بود. اهالی محله به خوبی به یاد دارند که استاد رسم همسایگی را به معنای واقعی به جای می‌آورد؛ همسایه‌هایی که دخترشان را عروس یا پسرشان را داماد می‌کردند از علامه تقاضای کردند مراسم جشن عروسی در خانه استاد برگزار شود. علامه هم قبول می‌کرد. محمد رضوانی، همسایه دیوار به دیوار استاد،

می‌گوید: «خوب یاد هست برای اینکه ارتباط همسایگی میان اهل محل پابرجا باشد، هر هفته خانه یکی از همسایه‌ها دور هم جمع می‌شدیم. فقط هم باید با جای پذیرایی می‌کردیم تا تجملات وارد این دورهمی نشود و میزبان خسته نشود. باهم دعای خواندیم و حرف می‌زدیم. همین باعث شده بود که صمیمیت بین اهل محل جاری باشد. راستش، خانه ایشان شورای حل اختلاف محل بود. اگر کوچک‌ترین مشکلی برای اهل محل از نظر خانوادگی یا اجتماعی پیش می‌آمد، در خانه ایشان حل‌وفصل می‌شد. یکبار دختر کوچک من که ۲ سالش بود بیمار شده بود و من مسافرت بودم. علامه وقتی متوجه می‌شود، شبانه خودششان، با لباس ساده خانگی دخترم را به بیمارستان می‌رساند. این بزرگواری فراموش نشدنی است.»



این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.



این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.

پله نوروز خان؛ نخستین کوچه پله‌دار پایتخت

حال مردم ساخت برخی هم می‌گویند نوروز خان، پیشکار دربار قاجار بود و املاکی در این کوچه داشت. برای این کوچه داستان‌هایی هم نقل شده از جمله اینکه گفته می‌شود قاتل «سیدعبدالله بهبهانی» یکی از مجتهدهای شیعه از طریق این پله‌ها فرار کرده و جان سالم به‌در برده است. این واقعه یکشنبه ۲۵ تیر سال ۱۲۸۹ رخ داد و باینکه کسی مسئولیت این سوءقصد را بر عهده نگرفت ولی گروهی به اسم «اعتدالیون» این کار را به دمکرات‌ها داد و دسته‌دردی به نام «حیدر خان عمواغلی» یکی از رهبران حزب کمونیست نسبت دادند. آنها برای تلافی به انتقام جویی دست زدند اما حیدر خان توانست با فرار از این کوچه، جان سالم به‌در ببرد. حالا بیش از یک قرن از عمر پله‌های این کوچه می‌گذرد و برای جلوگیری از سر خوردن خریداران و بازاربان، سنگ‌های آن را مرمت و در افزایش نرده نصب کرده‌اند.

نخستین کوچه‌ای که در تهران پله‌دار شده تا مردم به خاطر سراسیمگی آن در زمان بارش برف و باران از سر خوردن در امان بمانند، «پله نوروز خان» نام داشته است. پله نوروز خان، کوچه‌ای در خیابان ۱۵ خرداد است که سال ۱۳۲۲ بازسازی شده است. این کوچه در دوره قاجار ساخته شده و سال‌هاست در بازار بزرگ تهران به محلی برای خرید و فروش پلاستیک و نایلون شناخته می‌شود. در اطراف این کوچه هم مغازه‌های زیادی وجود دارد که در آنها قهوه و نوشت‌افزار به فروش می‌رسد. درباره نامگذاری این کوچه می‌گویند مرد نیکوکاری به اسم «نوروز خان» که آن زمان فعالیت‌های زیادی برای ایجاد امکانات شهری در تهران انجام داده و سقاخانه‌ای هم در این حوالی ساخته بود، این گذر پله‌دار را برای رفاه

بوذر امیرانی
روزنامه‌نگار



این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.

۱۳ خانواده‌ای که صدراعظم محمدشاه به تهران آورد

حسن حسن‌زاده
روزنامه‌نگار

داشت، میرزا آقاسی در نزدیکی زمین‌های کشاورزی، برای آنها قلعه‌ای ساخت؛ قلعه‌ای که خیلی زود میان اهالی آبادی ونک به قلعه ارمنه معروف شد. در آن زمان به دلیل نبود امنیت، ساخت این قلعه‌ها رایج بود تا کشاورزان و خانواده‌هایشان علاوه بر نزدیکی به زمین‌های کشاورزی، محل امنی برای سکونت داشته باشند. قلعه ارمنه ونک مثل همه آن قلعه‌ها یک حیاط مرکزی و ۴ برج نگهبانی مدور در ۴ طرف داشت که دور تا دور آن اتاق‌هایی برای سکونت خانواده‌ها ساخته شده بود. اگر چه اکنون دیگر قلعه ارمنه خبری نیست اما کلیسای میناس مقدس در تقاطع کوچه امید و خیابان مهتاب در منطقه ۳ یادگاری از آن قلعه خاطر‌هانگیز است. کلیسایی که برای عبادت ساکنان قلعه در نزدیکی آن ساخته شد.

برای بسیاری از رهگذرانی که گذرشان به خیابان‌های اطراف میدان ونک می‌افتد، نام «ونک ارمنه» آشنا نیست. اما روزگاری محله ونک امروزی که با خیابان‌های شلوغ و پررفت‌وآمد شناخته می‌شود، باغ‌های سرسبز و مزارع فراوان داشت و ونک ارمنه با قلعه معروفش یکی از نقاط کانونی آن بود.

در دوران حکومت محمدشاه قاجار بود که میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه برای تأمین علوفه قشون دولتی ۱۳ خانواده ارمنی را از چهارمحال و بختیاری برای کشاورزی به تهران آورد و با سکونت آنها در این محدوده، بخش شرقی آبادی ونک به ونک ارمنه شهرت پیدا کرد. از آنجا که محل زندگی این کشاورزان در خارج از محدوده روستایی امنیت پایینی